

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷، تابستان ۹۷

سیاست‌های زیست‌محیطی در خاورمیانه

عباس ملکی^۱

معرفی کتاب

Verhoven, Harry (ed.); *Environmental Politics in the Middle East; Legal Struggles, Global Connections*;
London: Hurst & Company, 2018

وضعیت زیست‌محیطی کشورها و تغییرات آن یکی از مسائل مهم عصر جدید است. رهبران کشورها و فعالان عرصه محیط زیست می‌کوشند سیاست‌هایی برای بهبود وضعیت زیست‌محیطی سرزمین خود وضع کنند. در ایران و کشورهای خاورمیانه نیز در این زمینه کارهایی شده است. بعضی از مشکلات زیست‌محیطی در خاورمیانه در حال بدل شدن به بحران است. خشکسالی، گرمای شدید، و طوفان ریزگردها زندگی مردم خاورمیانه را تهدید می‌کند. این بحران‌ها می‌تواند در آینده نزدیک عامل نزاع و درگیری بیشتر در منطقه شود. در ایران، کمبود آب، تخریب جنگل‌ها، آلودگی هوا و تغییرات آب‌وهوایی از مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی است. کویت، در سال‌های اخیر، بالاترین دمای هوا را داشته است. محیط زیست عراق در سال‌ها قبل، تا حد زیادی، نابود شده است. جنگ داخلی سوریه، بدون شک، به وضعیت متغیر برخی از اقوام از جمله بدون باز می‌گردد. اختلافات میان سودان و مصر در

۱. دانشیار سیاست‌گذاری انرژی دانشگاه صنعتی شریف؛ رایانامه: maleki@sharif.edu



مورد رود نیل را نیز باید به این فهرست افزود. تردیدی نیست که در خاورمیانه، سیاست و زیست‌بوم ارتباطی نزدیک دارند.

در سال جاری، کتابی دربارهٔ وضعیت زیست‌محیطی و حکمرانی در خاورمیانه منتشر شد. سیاست‌های زیست‌محیطی در خاورمیانه: کشمکش‌های حقوقی و ارتباطات جهانی عنوان کتاب است. در این نوشته، قصد دارم به معرفی این کتاب بپردازم و نکاتی دربارهٔ آن متذکر شوم.

شعبهٔ قطری دانشگاه جرج تاون از نویسندگان خواسته بود تا نظرهای خود را در قالب مقاله عرضه کنند. کتاب سیاست‌های زیست‌محیطی خاورمیانه حاوی این مقالات است. هاری وروهون، استادیار دانشگاه جرج تاون و نویسندهٔ چند کتاب در زمینهٔ شاخ آفریقا، ویراستار مجموعه است که مقدمه‌ای هم بر کتاب نوشت. کتاب را انتشارات هرست منتشر کرد. مقدمهٔ وروهون با آیات ۹ تا ۱۱سورهٔ قاف، که حاوی نظر خداوند در مورد طبیعت است، شروع می‌شود. «و از آسمان، آبی پربرکت فرستادیم و بدان، باغ‌ها و دانه‌های درو شدنی رویانیدیم. و نخل‌های بلند با خوشه‌های برهم چیده. تا رزق بندگان باشد و بدان آب، سرزمین مرده را زنده کردیم».

کتاب حاوی یک مقدمه و نه فصل است. «مقدمه: خاورمیانه در سیاست‌های زیست‌محیطی جهانی»، نوشتهٔ هاری وروهون، ویراستار کتاب است. فصول دیگر کتاب عبارت‌اند از:

۱. «عملگرایی زیست‌محیطی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، نوشتهٔ جین ساورز؛
۲. «منابع فسفات در تونس و سیاست‌های مربوط به حاشیه»، نوشتهٔ فرانسیس ژیل و اکارت ورتز؛
۳. «امنیتی‌سازی نفت و پیامدهای آن برای شورای همکاری خلیج فارس»، نوشتهٔ ژیل کریستال؛
۴. «آبادانی مناظر خلیج فارس: فرصت‌های اقتصادی، تعامل اجتماعی و چالش‌های پایداری»، نوشتهٔ علی الکبلاوی؛
۵. «از بین بردن آیندهٔ سودان: تجارت غیرقانونی زغال میان شاخ آفریقا و خلیج فارس»، نوشتهٔ ایلیا گریدنوف؛
۶. «ماهگیری غیرقانونی و دزدی دریایی در شاخ آفریقا: نقش منطقهٔ خاورمیانه و شمال آفریقا»، نوشتهٔ افیاز علمی؛
۷. «آموزش کثرت‌گرایی ژئوپلتیکی: به سوی یک رژیم بین‌المللی جدید نفت؟»، نوشتهٔ کلمنت هنری؛
۸. «کمیابی منابع باعث توسعهٔ اقتصادی می‌شود: تأثیر یارانه‌های انرژی بر تنوع‌سازی



صادرات در خاورمیانه»، نوشتهٔ وسل ورمولن؛

۹. «سیاست‌های منابع طبیعی در دریای خزر: بازی بزرگ نو در دنیای کهن»، نوشتهٔ عباس ملکی. این کتاب در پی کشف رابطهٔ طبیعت و جامعه انسانی در خاورمیانه است و دربارهٔ این بحث می‌کند که پویایی‌های زیست‌بوم منطقه منعکس‌کننده و پدیدآورندهٔ مسائل و مشکلات وسیع‌تر و بزرگ‌تر سیاسی-اجتماعی در سطح جهانی و نیروهای زیست‌محیطی و همچنین بخش جدانشدنی سیاست مبتنی بر قدرت در منطقهٔ خودشان هستند. مشخصاً این کتاب به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر است:

۱. بهره‌برداری منابع در بازتولید روابط اجتماعی و ساختن کشورها در منطقهٔ خاورمیانه چه نقشی ایفا می‌کند؟

۲. آیا مالکیت برخی از ذخائر استراتژیک، ورودی‌های طبیعی نظام سیاسی در کشورهای مختلف را تشریح می‌کند یا تملک منابع طبیعی و ابزارسازی محیط زیست کشور توسط حاکمان در مسیر کاملاً معینی است؟

۳. آیا می‌توان یک برداشت جامع و همگرا از تحولات در خاورمیانه داشت و یا در هر بخشی - مانند محیط زیست و چالش‌های اجتماعی - به صورت مجزا، ارزیابی‌های ما با توجه به قواعد خاص آن رشته صورت می‌گیرد؟

در این کتاب با تاریخ زیست‌بوم منطقه آشنا می‌شویم. در گذشته‌های دور، فلاسفه و دانشمندان عقیده داشتند که اقلیم و آب و هوای معتدل سبب پرورش مردمان باهوش و بااستعداد و پیدایش جوامع پیشرو می‌شود. ارسطو، بقراط، و ابن خلدون به این نظریه عقیده داشتند. بعدها، در سدهٔ هجدهم میلادی و، پس از آن، استعمارگران دخالت خود را در شرق ناشی از تربیت کردن اقوام و قبائل پست - که به دلیل آب و هوا همچنان عقب نگاه داشته شده بودند - توجیه می‌کردند. فرانسویان دخالت خود را در الجزایر، از ۱۸۳۰ م، تربیت کردن دو قوم عرب و بربر و تنظیم زیست‌بوم آن منطقه، براساس نظریهٔ ابن خلدون، می‌دانستند.

در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی، الزامات زیست‌محیطی بیشتر مطرح شد؛ اما هنوز مکتب فکری کهن ارسطویی در مورد تقابل میان جامعهٔ انسانی و اکوسیستم وجود داشت. انقلاب علمی، و سپس انقلاب صنعتی، و همچنین سکولار شدن سیاست به انسان نیروی تازه‌ای بخشید. نیرویی به نام خرد متعارف خوش‌بینانه که می‌توان تا اندازه‌ای جلوی زوال محیط زیست و پیامدهای عمدهٔ آن برای سیاره ما و بشریت را گرفت. این بار علوم محیط زیستی با چارچوب لیبرال به میدان آمد. یکی از نظریات میانهٔ لیبرال گزارش الگور در مورد توازن زمین^۲ است. در این کتاب معاون اسبق رئیس‌جمهور آمریکا تأکید می‌کند که بشریت،

2: Al Gore; *Earth in the Balance: Ecology and the Human Spirit*; Boston: MA: Houghton



در حال حاضر، علت‌العلل تغییرات زیست‌محیطی در جای‌جای جهان است. او خواهان یک برنامه مارشال^۳ جهانی برای گردهم آوردن دانشمندان، بازرگانان، حکومت‌ها، جامعه مدنی و شهروندان، و بحث در مورد مسئولیت محیط زیست شکننده جهان است. در قرون جدید، سه رهیافت اصلی در علوم زیست‌محیطی، براساس رابطه محیط زیست و توسعه، بنا شده است:

(۱) محیط زیست مبتنی بر بازار آزاد: این رهیافت، براساس روش‌های مبتنی بر فردگرایی و اقتصاد نئو کلاسیک، بنا شده است. این رهیافت گرچه می‌پذیرد رفتار مصرف‌کننده و بنگاه‌ها زیست‌بوم را با خطر مواجه می‌سازد، اما نظام سرمایه‌داری، به خودی خود، مسئول بحران‌های زیست‌محیطی نیست. اگر به قوانین بازار - مانند حقوق مالکیت و مکانیزم قیمت - وفادار باشیم، هزینه‌های بیرونی^۴ منفی منابع طبیعی، از طریق ارائه مشوق‌ها، کاهش یافته و به اقتصاد همراه با کوسیستم پایدار خواهیم رسید. در این رهیافت، قیمت‌گذاری کربن از طریق اعمال مالیات، ارائه ضوابط و قیمت‌گذاری برای بازیابی آب توسط شهروندان و کشاورزان، اعمال ضابطه به جای ممنوعیت تجارت برخی از منابع طبیعی نادر مانند عاج فیل، خصوصی‌سازی اراضی ملی از جمله روش‌هایی است که در اقتصاد کلاسیک از آن‌ها بهره‌برداری شده است.

(۲) محیط زیست تکنوکرات‌گرا: این رهیافت ضوابط بازار مبتنی بر قیمت‌گذاری را، برای مبارزه با چالش‌های محیط زیستی، ناکافی می‌داند. به جای آن، بر سیاست‌گذاری عمومی از بالا به پایین با تکیه بر تجربیات و دقت تکیه می‌کند. چنین رهیافتی نیازمند مجزا کردن کامل جهان طبیعی و جامعه انسانی است. این رهیافت تأکید بر بی‌طرف بودن در نظارت و دخالت دارد. تنها با تمهید فاصله بحرانی و نادیده گرفتن دیدگاه رمانتیستی بر جامعه و طبیعت است که می‌توان دانیایی را در طول زمان تجمیع کرد تا، از این رهگذر، روابط بین بشریت و محیط زیست او کمتر خطرناک باشد. این روش به پوزیتیویسم علمی کاملاً معتقد است. بین جامعه و فیزیک فاصله‌ای وجود دارد. این روش کاملاً خود را غیرسیاسی دانسته و واقعیت آن است که بیشتر کارشناسان آن را توسعه داده‌اند. این روش تنها به دنبال تشخیص علمی مشکلات، ارزیابی آسیب‌ها و ارائه راه حل‌ها برای زوال طبیعت و افزایش کمیابی منابع طبیعی بوده است.

Mifflin, 1992

۳. طرح مارشال یکی از مهم‌ترین طرح‌های اقتصادی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم است که به نام طراح آن، جورج مارشال، وزیر امور خارجه آمریکا در دوران ریاست جمهوری هاری ترومن نام‌گذاری شده است. به دنبال ارائه دکترین ترومن معروف به طرح دربرگیری در ۱۲ مارس ۱۹۴۷ م مبنی بر ارسال کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا به کشورهای مورد تهدید، جورج مارشال، وزیر امور خارجه آمریکا در پنجم ژوئن ۱۹۴۷ م طرحی برای نفوذ در کشورهای اروپایی ارائه داد که بعدها به طرح مارشال معروف شد. این طرح کمک‌های مالی و اقتصادی بلاعوض آمریکا را به حکومت‌های نیازمند تصریح می‌کرد.

4. Externalities



در دوره آنتروپوسن،^۵ انسان تبدیل به نیرویی مؤثر برای تغییر طبیعت و چرخه‌های زیست - ژئوشیمیایی آن شده است. در این رهیافت، بر محدودسازی انسان در مرزهای زمین تأکید شده است، در حالی که در رهیافت اول، دست‌اندازی به سایر سیاره‌ها نیز مجاز شمرده شده بود. (۳) محیط زیست نهادگرایی لیبرال: رهیافت سوم عمدتاً فرضیات دو رهیافت گذشته - یعنی محیط زیست مبتنی بر بازار و محیط زیست تکنوکراتیک - در مورد توسعه و آینده خوش‌بینانه آن را به اشتراک می‌گذارد؛ اما به جای قرارداد همه اعتقادات خویش در بخش بازار و یا بخش نظر کارشناسان، تأکید خود را به تمرکز بر ساختار همکاری‌های جهانی، حقوق بین‌الملل، و ضوابط محلی می‌گذارد. کشورها و سازمان‌های بین‌المللی راهبری تغییرات با معنای روابط «توسعه - محیط زیست» را به عهده می‌گیرند، اما دانشگاه‌ها، نگاه‌های چندملیتی، و سازمان‌های غیردولتی نیز نقش‌های ویژه‌ای ایفا می‌کنند. نهادگرایان جهان را مجموعه‌ای از عناصر با وابستگی متقابل می‌دانند که بقاء، تنها از طریق زیرساخت‌های همکاری چندسطحی، امکان‌پذیر است. آن‌ها، به صورت فزاینده‌ای، بر حکمرانی چند بازیگره در شبکه متحول شتابان و نه در حکمرانی سنتی تأکید دارند.

در خاورمیانه، تأکید فزاینده بر مطالعه الزامات نهادی نوسازی فناورانه، تنوع‌سازی مصرف محلی انرژی، و همچنین، توجه به آلودگی ناشی از فعالیت‌های دولت‌ها و بازیگران غیردولتی است. در این ارتباط، رهیافت نزدیک شدن به توسعه از طریق شبکه‌ای از فعالیت‌های علمی در جهت ارتباط مابین آب، انرژی، و غذا مد نظر است. کشف مجدد مدل‌های گذشته و طراحی سازوکارهای حکمرانی برای منابع طبیعی هم در میان اقتصاددانان مطرح است. مکتب فکری نهادگرا چگونگی اصول کنش دسته‌جمعی را بررسی می‌کند. این مکتب وظیفه‌تربیتات نهادی در جوامع محلی را روشن می‌کند که مدیریت منابع مشترک را مدیریت می‌کنند. این ادبیات دیدگاه غیرمتمرکز به توسعه دارد.

آنچه اشاره کردیم، پارادایم‌های مطرح در کتاب است. اما در مورد به تجربه گذاشتن رهیافت‌ها، نویسندگان به خاورمیانه، به عنوان میدانی برای اثبات فرضیات و رهیافت‌های خود، توجه کرده‌اند. به نظر من، در این کتاب مواردی شایسته توجه است که، در ادامه، ذکر می‌کنم:

۱-التوس عقیده داشت که جمعیت جهان، به صورت تصاعد هندسی، و تولید غذا، به صورت تصاعد عددی، رشد می‌کند. بنابراین، فقر، به صورت گریزناپذیری، در جهان گسترش خواهد

5. Anthropocene

دور انسان یا آنتروپوسن اصطلاحی در زمین‌شناسی است که به آخرین دور از آخرین دوره زمین‌شناسی اشاره می‌کند که اکنون در آن به سر می‌بریم. علت نام‌گذاری آن این است که، برای اولین بار در تاریخ زمین، انسان‌ها تأثیر محسوسی بر زیست‌بوم می‌گذارند.



پیدا خواهد کرد. قانون بازده نزولی نیز در اراضی حاصلخیز مزید بر علت خواهد شد. و نهایتاً، به تعبیر پولانی، «فقر ذات بقا در جامعه است، نماد تحریم او، گرسنه است»⁶. نظریه مالتوس، در اواخر قرن نوزدهم میلادی، در هند درست در آمد و قحطی همراه با بیماری‌ها، فقر، خشونت، و زوال محیط زیست شبه‌قاره را فراگرفت. نظریه مالتوس، پس از جنگ جهانی دوم و رشد اقتصادی بی‌سابقه در اروپا و آمریکای شمالی، تا اندازه‌ای بی‌اعتبار شد، اما از دهه ۱۹۶۰ م، همراه با رشد صنعتی شدن و تجاوز به محیط زیست در مقیاس وسیع و، همچنین، شوک نفتی اعراب در ۱۹۷۳ م، وضعیت تا اندازه‌ای تغییر کرد. تصویرهای رسانه‌ای قحطی در اتیوپی، بنگلادش، ساحل غربی آفریقا، و افزایش قیمت حامل‌های انرژی، تصویر ناراحت‌کننده‌ای از آینده جهان می‌داد. بمب جمعیتی در گزارش کلوپ رم، به‌عنوان یکی از موانع رشد درآمد و نوماتوسی در علم اقتصاد، به‌عنوان کمیابی منابع در دوره مدرن، دوباره جان گرفت. ظهور مجدد مفهوم کمیابی منابع و ارتباط آن با بی‌ثباتی سیاسی عده‌ای را بر آن داشت که تعریف دوباره‌ای از امنیت ملی داشته باشند. آنگاه موضوعاتی مانند جنگ آب در جنوب آسیا، آفریقا، و خاورمیانه مطرح شد. در حالی که مطابق برخی از سناریوها، جمعیت خاورمیانه قرار است از ۱۰۰ میلیون نفر در ۱۹۶۰، و ۳۰۰ میلیون نفر در ۲۰۰۵، به ۴۰۰ میلیون نفر در ۲۰۲۵ برسد، لاجرم مردم این منطقه را در برابر هم به دلیل کمبود آب و غذا قرار خواهد داد.

- تغییرات اقلیمی باعث بروز و ظهور استبداد و توتالیتریزم خواهد شد. مطابق نظریه هاردین، در مناطق و مواردی که منبعی به صورت نامحدود در اختیار مردم به صورت مشاع است، هر کسی، بنابر نفع شخصی‌اش، مایل است که بیشترین استفاده را از آن منبع کند.⁷ به یاد آوریم که توماس هابز گفته است که «انسان گرگ انسان است و بدون حضور لویاتان، که همان نظام سیاسی جامعه می‌تواند باشد، همه یکدیگر را خواهند درید». در مورد محیط زیست، ترکیب این دو نظریه، چیزی برای نسل‌های آینده باقی نخواهد گذاشت. در گذشته، در خاورمیانه، تمدن‌های هیدرولیکی داشته‌ایم؛ تمدن‌هایی که بر مبنای دسترسی به آب‌های نیل و یا دجله و فرات، به‌صورت سلسله مراتب عمودی‌تر، مانند آب از بالا به پایین سرازیر بودند.

- پیامدهای تغییرات اقلیمی آنگاه شدیدتر می‌شود که نگاهی به اقتصاد سیاسی کشورهای هم داشته باشیم. کشورهای تحصیلدار که رابطه رانتهی با کشورهای مسلط دارند، عموماً شکل و شمایل آن‌ها را در سیاست‌گذاری به خود می‌گیرند؛ در حالی که، در عمل، میان زیست‌بوم ایالات متحده آمریکا با عربستان سعودی فاصله زیادی است، اما نگاهی به طراحی توسعه

6. Polanyi, Karl; *The great Transformation*; Cambridge, MA: Beacon Press, 1944, 122.

7. Hardin, Garret; "The Tragedy of the Commons"; *Science*; 13 Dec. 1968. pp. 1243-1248



شهری در شبه جزیره عربستان، نشانگر کپی برداری از ایالات پر آب آمریکا است. دوم آنکه کشورهایی با منابع کمتر متنوع اما بسیار زیاد، مجدداً از لحاظ محیط زیست، در وضعیت بدتری قرار می گیرند. کشورهایی که با پدیده نفرین منابع^۸ روبرو هستند، از لحاظ زیست محیطی نیز، وضعیت خوبی ندارند. رفتار قذافی برای کشاندن آب مدیترانه به صحرای لم یزرع، تنها با پول هنگفت نفت میسر می شد. و یا سیاست های اشتباه حزب بعث عراق در فاصله ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۳ م، در مورد تالاب های عراق که منجر به ظهور پدیده ریزگردها در سه کشور ایران، عراق و ترکیه شد.

- در سال های اخیر، به خصوص از ۲۰۱۲ م، اقتدارگرایی دولتی در مبارزه با نارضایتی سیاسی در سراسر خاورمیانه به چشم می خورد. سرچشمه شورش های جدید در خاورمیانه به منابع طبیعی و محیط زیست نیز باز می گردد. تظاهر کنندگان در میدان تقسیم استانبول نارضایتی خود را از تبدیل پارک قاضی که فضای سبز بخشی از شهر استانبول را تأمین می کرد، به یک مجتمع تجاری ابراز می کردند.

حال نگاهی به فصول مختلف کتاب می اندازیم:

در فصل اول، «عملگرایی زیست محیطی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، جین ساورز به سرچشمه های جامعه شناسانه امواج نوین بسیج اجتماعی در کشورهای عربی می پردازد. سه مورد کاوی^۹ درباره الجزایر، مصر، و لبنان در این فصل بررسی شده است. موضوعات زیست محیطی در سایه مسائل اساسی خاورمیانه قرار گرفته اند؛ زیرا مسائل زیست محیطی وابسته به بهداشت عمومی، شکل گیری هویت، و روابط مرکز-حاشیه اند. موضوعات روزمره، مانند مدیریت آلودگی و زباله، می تواند نشانه ای از وجود شاخص های انتقادی از فساد و مشروعیت باشد.

در فصل دوم، فرانسیس ژیل و اکارت ورتز یک مورد مشخص از مقاومت موفق مردم در برابر برداشت از منابع طبیعی را بررسی می کند. در «منابع فسفات در تونس و سیاست های مربوط به حاشیه»، اکتشاف منابع سودآور متلوی در نقطه دورافتاده ای در استان قفصه تونس که برای اقتصاد دوره های استعماری و پساستعماری درآمد سرشاری را به همراه داشت و پیامدهای آن مطرح می شود. درآمد سرشار معادن فسفات، نخبگانی که در شهرهای ثروتمند ساحلی بودند را ثروتمندتر نمود، اما مردمان استان قفصه را به حاشیه نشینی اقتصادی، آلودگی آب ها و تنزل بنیه زمین های کشاورزی مواجه ساخت. کارگران منطقه متلوی مبارزات خود را برای استقلال اتحادیه های کارگری، در شورش های ۲۰۰۸، و بهار عربی، در ۲۰۱۰ -

8. resource Curse

9. case study



۲۰۱۱، علیه دیکتاتور زین العابدین بن علی ادامه دادند. برای کارگران حاشیه‌نشینی اقتصادی و مشکلات زیست‌محیطی ارتباط تنگاتنگی با جوهر نظام سیاسی تونس داشت. سیستم سیاسی تونس شامل کارکنان اکثری‌های اقتدارگرایی، تمرکز پول و قدرت و همدستی سازمان‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک سرمایه‌گذاری اروپا بود. مبارزه برای رفاه کارگران، پس از سقوط دیکتاتور، ادامه یافت. وضعیت به حالت عادی در متلوی بازنگشته است. کارگران همچنان به دنبال وضعیت بهتر هستند.

ژیل کریستال در فصل «امنیتی‌سازی نفت و پیامدهای آن برای شورای همکاری خلیج فارس»، به نقش غیرقابل انکار رهیافت مسلط توسعه، همراه با سرکوب اجتماعی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، می‌پردازد. کشورهای شورا به تهدیدات و چالش‌هایی که متوجه منابع طبیعی آن‌ها است و یا از استخراج نفت حاصل می‌شود، باروی باز برخورد می‌کنند؛ چرا که این گونه تهدیدات بهانه‌ای است برای از میان بردن ناراضیان و مخالفان. این رهیافت مسلط در دهه اخیر در خلیج فارس بوده است. در کشورهای جنوبی خلیج فارس دو روایت وجود دارد: اول آنکه فعالیت‌های سیاسی کشورهای مزبور بخشی از جنگ علیه تروریسم است؛ دوم آنکه کار اصلی سیستم‌های سیاسی در این کشورها حفاظت از منابع هیدروکربوری، به‌عنوان بستر ثروت و جوامع کشورهای عرب خلیج فارس، است. نتیجه ظهور ائتلافی از گفتمان‌ها است. در چارچوب قالب‌بندی کریستال، زمانی که قیمت نفت پایین می‌آید، کشورهای حاشیه خلیج فارس، از سیستم حاکمیت بالا به پایین، به تساهل با جامعه روی می‌آورند.

«آبادانی مناظر خلیج فارس: فرصت‌های اقتصادی، تعامل اجتماعی و چالش‌های پایداری» عنوان فصل چهارم است که علی‌الکبلاوی تصمیمات ویرانگر در مورد محیط زیست را، که به وسیله رهیافت‌های غالب در مورد زیست‌بوم در خلیج فارس انجام شده بود، می‌شکافد. سال‌ها است تصمیم‌گیران خلیجی بر آن‌اند که وضعیت عادی حاشیه خلیج فارس شامل فضای کویری، اراضی کشاورزی، شهرهای پراکنده، و زیستگاه‌های طبیعی رو به زوال را، به صورت اقتصاد با بهره‌وری بیشتر و با مناظر طبیعی جذاب‌تر، تبدیل کنند. ال‌کبلاوی هشدار می‌دهد که سبز کردن چشم‌انداز خلیج فارس در برابر هزینه‌های غیرپایدار، و بر مبنای علمی بحث‌انگیز سیاست‌های جاری معاصر، و وابستگی مفرط به آب‌های زیرزمینی است. او بر رهیافت مدرنیزاسیون، که سال‌ها بر رابطه محیط زیست - توسعه سایه افکنده بود، مشکوک است و بر دوباره طراحی اولویت‌ها و ابزارها در بخش سیاست‌های محیط زیستی و سیاست‌گذاری اقتصادی تأکید دارد. او مدافع بازگشت به استفاده وسیع از گیاهان طبیعی بومی، برای سبز کردن بخش‌هایی از صحرا و بازسازی طبیعت زوال‌یافته است. گیاهان طبیعی سنتی با محیط زیست این منطقه کاملاً مطابقت دارد. وضعیت محلی منطقه نیرمند کاشت درختان ضد خشکسالی،



بدون نیاز به کود و همچنین سیاست‌گذاری‌های تدریجی برای کاهش آسیب‌پذیری‌های محیط زیست و صرفه‌جویی آب، است.

عنوان فصل پنجم «از بین بردن آینده سودان: تجارت غیرقانونی زغال میان شاخ آفریقا و خلیج فارس» است. ایلیا گریدنف به پیامدهای زیست‌محیطی مصرف یکی از حامل‌های انرژی می‌پردازد. فروش غیرقانونی و مصرف زغال تهیه‌شده از چوب سومالی در منطقه جنوبی خلیج فارس، به‌عنوان زغال قلیان و یا زغال برای تهیه کباب، به معنای نابود کردن جنگل‌های سومالی است. رستوران‌ها، کافه‌ها، و چایخانه‌های کشورهای عربی به این نوع از زغال علاقه‌مندند. این بخش تاریک ارتباطات شاخ آفریقا و جنوب خلیج فارس است. تجارت غیرقانونی زغال نه تنها باعث ویرانگری اقتصاد سومالی و از جمله خشکسالی، فرسایش شدید خاک، سیل، و تهدید به حیات مردم در سومالی می‌شود، بلکه موجب بی‌ثباتی در دولت تازه‌پای سومالی نیز می‌گردد. هم گروه‌الشباب و هم گروه‌های خارجی، مانند نیروهای دفاعی کنیا،^{۱۰} از مالیات گرفتن زغال صادراتی منتفع می‌شوند. این فرایند خشونت و نیز دخالت خارجی در کشور سومالی را ترویج می‌کند. دخالت مستقیم توسط اتیوپی و اتحادیه آفریقا و غیرمستقیم توسط کشورهای عضو شورای همکاری و نیروهای غربی دور باطلی را در سومالی تقویت کرده و این امر نهادهای سیاسی سومالی را تضعیف و جمعیت کشاورزان را فقیر و زیست‌بوم سومالی را به زوال می‌کشاند.

نتیجه‌گیری مشابه در مورد ارتباطات داخلی بین استثمار منابع، حاشیه‌سازی اقتصادی، و سرازیر شدن بی‌ثباتی فراملی در مقاله «ماهگیری غیرقانونی و دزدی دریایی در شاخ آفریقا: نقش منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، نوشته افیاز علمی، انجام شده است. در مورد منابع آبی دریایی، متخصصان علوم اجتماعی علی‌رغم اهمیت آبریزان برای امنیت غذایی، اشتغال قابل اعتماد، و زیست‌بوم بهداشتی، کمتر پژوهش کرده‌اند. حجم ماهگیری غیرقانونی به اندازه یک ماهی از چهار ماهی است. این کار یک تجارت چند میلیون دلاری است. این کار باعث فعالیت‌های پرسود مجموعه‌های جرم‌خیز با ظرفیتی چند برابر نیروهای پلیس سومالی خواهد شد. افیاز علمی بر ارتباط بین ماهگیری غیرقانونی و افزایش دزدی دریایی در آب‌های دوردست سواحل سومالی تأکید می‌کند. دزدی و گروگان‌گیری در اقیانوس هند بدون درک وضعیت اسفناک معیشت در سرزمین سومالی و آب‌های سرزمینی در ادامه سه دهه جنگ، دخالت نیروهای خارجی، و غارت منابع طبیعی امکان‌پذیر نیست. نیروی پیشران اصلی، در این زمینه، تغییرات در نرخ هزینه - درآمد برای مجرمان سازمان‌یافته با عملیات فراملی و روش‌های انحرافی در راستای جهانی شدن است. جهانی شدن برای سازمان‌های جرم‌خیز،

10. The Kenyan Defense Forces



جریان غیرقانونی کالا، پول و اسلحه را تسهیل کرده است.

اگر گریدنف و علمی بر بخش‌های تاریک جهانی سازی تمرکز کرده بودند، کلمنت هنری در فصل «آموزش کثرت‌گرایی ژئوپلیتیکی: به سوی یک رژیم بین‌المللی جدید نفت؟» یک نظرسنجی انجام داده است در مورد اینکه چه تمهیدات نهادی ممکن است کمک کند تا اعتیاد بنیان‌برافکن جهان به نفت کمتر و، در عین حال، روابط بین‌المللی خاورمیانه با ثبات شود. هنری بر مفهوم کثرت‌گرایی ژئوپلیتیکی که قبلاً برژینسکی توسعه داده بود، متمرکز می‌شود. این نظریه به پیامدهای سیاست‌های مرتبط با منابع هیدروکربوری و سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه می‌پردازد. در عین حال که سیاست‌های سنتی ارتباط ریاض و واشنگتن موجب تضعیف اوپک بوده، اما از طرف دیگر، ظهور دو غول مصرف‌کننده نفت، یعنی چین و هند، و عضویت هر دو در آژانس بین‌المللی انرژی موجب ظهور عصر جدیدی از روابط بین تولیدکنندگان نفت در خاورمیانه و مصرف‌کنندگان در آسیا می‌شود. هنری نفت را پاشنه اشیل سیاست‌های جهانی نمی‌داند و خوش‌بینانه معتقد است که انرژی می‌تواند به طراحی نظام جدید جهانی کمک کند؛ زیرا انرژی از جمله محدود مواردی است که قدرت‌های بزرگ می‌توانند در آن با یکدیگر همکاری داشته باشند. اگر قیمت نفت هم در سال‌های آینده بالا باشد، این امر باعث سرمایه‌گذاری بیشتر در انرژی‌های تجدیدپذیر می‌شود که خود موجب تخفیف در آثار ناشی از تغییر اقلیم است.

درون‌مایه اصلی فصل هشتم بر این محور است که نهادها و محرک‌ها ممکن است بتوانند در شکل‌دهی مجدد تجربیات زیست‌محیطی و اقتصادی تثبیت‌شده خاورمیانه دخالت کنند. در این فصل، وسل ورمولن، «کمیابی منابع باعث توسعه اقتصادی می‌شود: تأثیر یارانه‌های انرژی بر تنوع‌سازی صادرات در خاورمیانه»، را بررسی کرده و پیامدهای پرداخت سخاوتمندانه سوبسیدها را می‌آزمایند. مصرف‌بی‌رویه انرژی در کشورهای خاورمیانه باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری بخش عمومی، رشد اقتصادی، و مبارزه علیه تغییرات اقلیمی و آلودگی هوا تضعیف شود. اصلاحات در سیاست‌های یارانه‌ای در منطقه خاورمیانه عموماً این‌طور نشان داده می‌شود که، از لحاظ زیست‌محیطی، لازم و ضروری‌اند و، از لحاظ سیاسی، غیرقابل اجرا و، از لحاظ اقتصادی، دارای تناقض؛ به خصوص اینکه شرکت‌های فعال داخلی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا اگر یارانه نگیرند، در سطح بین‌المللی نمی‌توانند با شرکت‌های مشابه خود رقابت کنند. ورمولن، برخلاف جهت طرفداران رهیافت محیط زیست مبتنی بر بازار آزاد، معتقد است که کمیابی منابع طبیعی در خاورمیانه خود باعث نوآوری است. بدین معنا که مثلاً کم کردن یارانه‌ها در عربستان سعودی باعث خواهد شد اقتصاد این کشور به دنبال فرآورده‌ها و محصولات با بازدهی بالاتر باشد که، علاوه بر داخل مملکت، در سطح جهانی نیز مورد تقاضا



باشد. قیمت‌گذاری مناسب انرژی تنوع اقتصادی را تقویت و فناوری‌ها سبز را تشویق می‌کند. فصل آخر این کتاب مقاله‌ای است از نگارنده همین سطور (عباس ملکی) با عنوان «سیاست‌های منابع طبیعی در دریای خزر: بازی بزرگ نو در دنیای کهن». این مقاله در پی کشف چشم‌انداز ژئوپلیتیکی و محیط زیستی خزر، بزرگ‌ترین دریاچه بسته جهان، با حدود ۸۰۰ گونه موجود زنده است. محیط اطراف این دریاچه نیز از تنوع قومی و جمعیت‌شناختی گسترده برخوردار است. در پس از فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۹۱، مناطق ساحلی دریای خزر در آسیای مرکزی و قفقاز اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد. هر پنج کشور ساحلی دریای خزر از منابع هیدروکربوری به مقدار زیاد برخوردارند. در این فصل به این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه دلارهای ناشی از فروش نفت و گاز، موجب تقویت اقتدارگرایی در سیاست داخلی و تشکیل شبکه‌های حامی حکومت در کشورهای آذربایجان، قزاقستان، و ترکمنستان می‌شود. پول‌های بادآورده نفت، همچنین، وضعیت جدید بین‌المللی برای کشورهای حاشیه خزر درست کرده است. از یک طرف، پس از فروپاشی شوروی و حادثه برج‌های دوقلوی نیویورک، همسایگی خزر با افغانستان و عراق، اهمیت تازه‌ای به کشورهای حاشیه خزر داده، روابط آن‌ها را با غرب در چارچوب جنگ علیه تروریسم توسعه داده و به پیمان‌های نظامی میان آن‌ها و آمریکا منجر شده است؛ از طرف دیگر، یورش شرکت‌های بزرگ چندملیتی نفت از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰، و هیاهوی بسیار برای یک خلیج فارس دیگر به تدریج به افسردگی و دلزدگی منجر شد. آیا برآمدن پوتین دست آنان را از صنایع انرژی روسیه و کشورهای خارج نزدیک قطع کرد؟ آیا دستگاه رانتی بوروکراسی در کشورهای حاشیه خزر این گونه شرکت‌ها را به پرداخت‌های غیرمتعارف مجبور کرد؟ آیا انتقادات فراوان در سطح جهانی علیه پیامدهای ناشی از استخراج نفت و گاز در دریای خزر و حجم عظیم گوگرد و عدم توفیق در رسیدن به اهداف اولیه مانند آنچه در حوزه نفتی کاشغان در دریای خزر اتفاق افتاده است، باعث دلسردی شرکت‌های بزرگ شد؟ آیا اختلافات ایران و آذربایجان و ترکمنستان در خزر جنوبی باعث کمتر شدن علاقه شرکت‌های نفتی به حضور در این منطقه است؟ هر چه هست، منابع هیدروکربوری دریای خزر در عین استخراج و صدور، از آنچه ادعا می‌شد، کمتر است و هزینه آن بیشتر از حد تصور. من در این مقاله نوشته‌ام که، علی‌رغم وجود بازارهای جذاب برای نفت و گاز در یک دهه آینده، توسعه حوزه خزر بستگی به قیمت نفت دارد. فراز و فرود قیمت نفت برای برنامه‌ریزی اقتصادی کشورها ضرر دارد. از طرف دیگر، تصمیم‌گیران در این کشورها عموماً به منافع کوتاه‌مدت و سهل‌الوصل فکر می‌کنند و از برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه عاجزند؛ بنابراین، با بدبینی تمام، آینده خوبی را برای خزر، از لحاظ مدیریت محیط زیست، تصور نمی‌کنم.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی

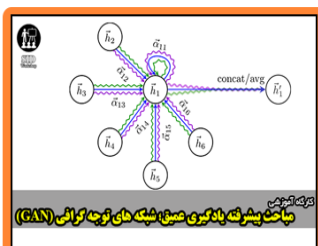


عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی